

دو نشانه از یک بحران قریب الوقوع؛ صف‌های نان و صف‌های بورس یادداشت مراد رضایی



قراردادی نان‌نوشته، بین دولت و ملت ایران، حداقل در چهل سال اخیر در زمینه‌ی آمار وجود داشته است: دولت یک‌سری آمار و ارقام را، بدون اینکه هیچ نسبتی با واقعیت داشته باشند، منتشر می‌کند، و ملت، به طرز متفق‌القول این آمارها را باور نمی‌کنند! با گذر از هر پیچ سیاسی و اجتماعی، در این چهل سال، این دیوار بی‌اعتمادی بلندتر شده است. تا جایی که امروز مردم نسبت به آمار جمهوری اسلامی خنثی هستند. اصلاً مهم نیست مراکز اعداد و ارقام درون حکومت در مورد بیکاری، تورم، تعداد مبتلایان به کرونا، میزان واردات گندم، میزان مشارکت در انتخابات یا هر مورد «عددی» چه می‌گویند. نتیجه غالباً یک چیز است: جمهوری اسلامی دروغ می‌گوید!

در چنین وضعیتی، آمارهای دولتی تنها می‌توانند به عنوان «یک عامل» در نظر گرفته شوند که در جمع با سایر عوامل و نشانه‌ها، نهایتاً به درک روشن‌تر وضعیت کمک کنند.

صف‌های بورس

خبر دور از انتظار هفته‌ی گذشته، در بازار انرژی جهان، همه را متحیر کرد. قیمت نفت برنت روز دوشنبه مقدار منفی را تجربه کرد! کاهش تدریجی قیمت نفت در اثر کاهش مصرف و تقاضا، امری قابل پیش‌بینی بود. توقف در زمینه‌ی حمل و نقل در جهان، و کم شدن میزان فعالیت واحدهای صنعتی، به طور طبیعی نیاز جهانی به نفت و فرآورده‌های آن را کاهش داد. هر چند در مقابل این کاهش، کشورهای تولیدکننده نفت نیز به میزان قابل ملاحظه‌ای تولید نفت را کاهش دادند، اما ظاهراً این کنش تولیدکنندگان نفت چندان موثر نبود، و سقوط قیمت نفت تا جایی پیش رفت که قیمت آن را منفی کرد! نتیجه‌ی این مساله در بازارهای مالی جهان، شاخص منفی در بورس تمام کشورها بود. تمام کشورها به جز ایران! شاخص بورس ایران در هفته‌ی جاری چند صعود اساسی را تجربه کرد. تا جایی که تصاویر و گزارشات ارسالی از شهرهای مختلف کشور نشان می‌دهد که بخشی از مردم برای خرید سهام در بورس صف کشیده‌اند. سه دلیل عمده برای این وضعیت وجود دارد:

یک- ساختار بورس ایران، هیچ شباهتی به بورس‌های جهان ندارد. کارگزارهای ایرانی بورس، تحت هیچ نظارت بین‌المللی نیستند و البته به دلیل تحریم‌ها، رابطه‌ای هم بین بازار سرمایه در ایران و بازارهای جهانی سرمایه وجود ندارد. بنابراین دولت به سادگی می‌تواند بازار را دستکاری و در آن عددسازی کند. این عددسازی‌ها الزاماً مسیر توطئه را طی نمی‌کنند. به عنوان مثال در هفته‌ی جاری قیمت سوخت خودرو اعم از بنزین و گازوئیل، در اکثر کشورهای جهان به کمتر از نصف نزول کرد. اما بنزین ۲۰۰۰ تومانی حسن روحانی سر جاییش ماند. این یک نمونه‌ی بارز از عددسازی است. بدون اینکه چیز عجیبی به نظر برسد.

دو- «تعداد یک میلیارد و ۹ میلیون واحد از صندوق‌های سرمایه‌گذاری قابل معامله در بورس تهران هم در هفته گذشته به ارزش کل بیش از ۱۱ هزار و ۳۱۱ میلیارد ریال مورد معامله قرار گرفت که به ترتیب با ۹۰/۳۵ و ۹۰/۱۸ درصد افزایش همراه شدند.» این گزارش اقتصادی یک روزنامه‌ی داخلی از بورس تهران است. منظور از صندوق‌های سرمایه‌گذاری، هلدینگ «شستا»ست که با پول حق بیمه‌ی کارگران و بازنشستگان ایجاد شده است و دولت هفته‌ی گذشته، بر دارایی‌هایی آن چوب حراج زد و بخشی از آن را در بازار بورس فروخت. در این مرحله قرار است ۱۰ درصد از شستا فروخته شود و برای درک عمق فاجعه باید دانست یک میلیارد واحد فروخته شده در هفته‌ی جاری به ارزش ۱۱ هزار و ۳۱۱ میلیارد ریال، تنها یک هشتم تعداد سهمی است که قرار است

از این هلدینگ بزرگ فروخته شود. علاوه بر این رئیس ستاد اجرایی فرمان امام گفته است: «نزدیک به ۱۰ شرکت از شرکت‌های ستاد اجرایی فرمان امام در صف ورود به بورس هستند و تاکنون نیز عمده شرکت‌های این ستاد وارد بورس شده‌اند و مابقی هم در حال آماده‌سازی برای حضور در بورس هستند». چوب حراجی جدید بر دارایی‌های عمومی.

سه- اقتصاد غیر شفاف ایران، همیشه به کمک دولت‌های جمهوری اسلامی آمده است. وزارت نفت، وقتی دید نمی‌تواند نفت و فرآورده‌های آن را در بازارهای جهانی بفروشد، آن را راهی بازارهای داخلی کرد. روز سه‌شنبه، دوم اردیبهشت «بیش از ۸۴ هزار و ۳۹۰ تن فرآورده هیدروکربوری به ارزش بیش از ۲ هزار و ۳۶ میلیارد و ۲۲۶ میلیون ریال در بازار فیزیکی بورس انرژی ایران دادوستد شد.» و این یعنی دمیدن روح تازه به بورس و بازارهای مالی.

همین سه مشخصه، مردم را به طمع سود در وضعیت بی‌پولی و رکود فرامی‌خواند و سبب جمع شدن خرده پس‌اندازهای مردم در جیب دولت می‌شود. حالا ایراد قضیه کجاست؟ چنانچه اشاره شد، بازار بورس ایران، هیچ معامله و در نتیجه نظارت بین‌المللی را کنار خود ندارد. نبود نظارت، یعنی بستر فساد و بازار بورس ایران بارها ثابت کرده است مرکز فساد است. یک «رانت اطلاعات اقتصادی» یا یک «عددسازی یک روزه» می‌تواند تمام دارایی مردم امیدوار را در بورس به آتش بکشد. به همین سادگی! وقتی فعالیت‌های اقتصادی مولد، با همکاری جمهوری اسلامی، ترامپ و کرونا از کار افتاده‌اند، بازار مالی‌ای که هر روز جذابیت جدیدی به آن اضافه می‌شود طبیعتاً می‌تواند پول مردم را ببلعد. اما حباب اقتصادی ناشی از عددسازی که منجر به تورم بسیار بالا خواهد شد از یک سو و ناامن بودن بازار بورس ایران از سوی دیگر نشان می‌دهد: صف‌های بورس مقدمه‌ی یک بحران رکود تورمی شدید هستند.

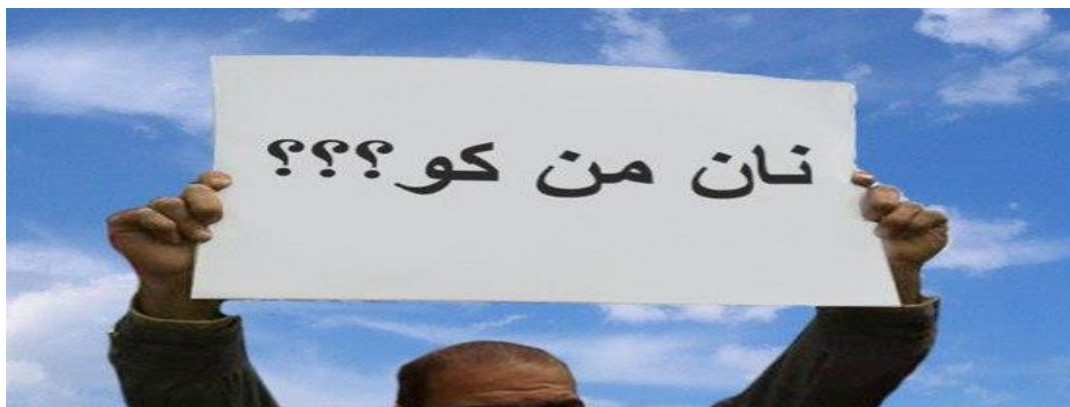
صف‌های نان

قرار شده بود دولت، ظاهراً برای حمایت از معیشت مردم، وام‌های یک میلیون تومانی به حساب ۲۲ میلیون سرپرست خانوار واریز کند. وامی با سود ۲۰ درصد که ۸ درصد آن از بودجه و ۱۲ درصد آن از حساب گیرندگان وام تأمین خواهد شد. دولت با تقبل این وام، در واقع خیال خود را برای دو سال از پرداخت یارانه و کمک‌های معیشتی راحت کرد. چون قرار است بازپرداخت وام‌ها از محل یارانه و کمک معیشتی برداشت شود.

اما گزارش‌های مردمی، پس از پرداخت این وام‌ها حاکی از یک بحران عجیب است. صف نانواپی‌ها پس از پرداخت وام‌های یک میلیونی شلوغ‌تر شده است. یعنی تا قبل از پرداخت وام، مردم حتی در تهیه نان با مشکل مواجه بوده‌اند. بحران معیشتی در کشور، ظاهراً بسیار عمیق‌تر و جدی‌تر از چیزی است که پیشتر تصور می‌شد.

جمع‌بندی

تشدید بحران فقر و نابرابری اقتصادی از یک سو و رکود تورمی از سوی دیگر، در روزهای پس از کرونا قابل حدس بود. اما بی‌تدبیری و تلاش دولت برای تعدیل ساختار اقتصادی در میانه‌ی بحران کرونا، وقوع عینی این حدس را تسریع کرده است. بحران معیشت به حد اعلای خود رسیده است و البته با توجه به وضعیت بازارهای مالی، ظن آن می‌رود که بحران در ماه‌های آتی شدیدتر شود. اگر مقاومت مردمی در مقابل این بحران‌ها شکل نگیرد، کرونا آغازگر تحولاتی سیاه در اقتصاد ایران خواهد بود. گرسنگی و شورش بسیار نزدیک‌تر از چیزی است که پیشتر تصور می‌شد.



خصوصی سازی را متوقف کنید!

آزار و اذیت و محرومیت زندانیان از بهداشت و درمان در زندانهای جمهوری اسلامی علی صمد



دولت و قوه قضائیه تحت ریاست رئیسی مدام تبلیغات و آمار و ارقام انتشار می دهند که ده ها هزار زندانی "عادی" را از شروع کرونا تا کنون آزاد کرده اند. اما به دلیل سانسور خبری و عدم تأیید این ادعاها توسط نهادهای مدنی و مردمی، درستی ادعاهای روسای قوه مجریه و قضائیه حکومت مبنی بر آزادی زندانیان عادی در سطح ده ها هزار نفر را زیر سوال می برد و افکار عمومی آنرا باور نمی کند. آمارها و گزارشاتی که از زندان های جمهوری اسلامی انتشار می یابند حاکی از این است که وضعیت بهداشتی و پزشکی در این مراکز بدلیل کمبودات، امکانات و ازدحام بیش از ظرفیت در سالن های زندان بسیار خراب، بحرانی و آلوده است و امکان گسترش بیماری کرونا و دیگر امراض در زندانها بسیار بالاست.

ویروس کرونا طبق آمار انتشار یافته از ماه مارس وارد زندان های جمهوری اسلامی شده و درصد بسیار بالایی از زندانیان در معرض ابتلا به این ویروس قرار گرفته اند و ده ها نفر نیز بخاطر ابتلا به این بیماری فوت کرده اند. تاکنون بدلیل وجود سانسور و عدم اطلاع رسانی دقیق، آمار دقیق از کسانی که در زندان بخاطر این بیماری فوت کرده اند و یا مبتلا به این ویروس هستند، داده نشده و حکومت برای شفاف سازی و اطلاع رسانی درست در این عرصه کاری انجام نمی دهد. در برخی از مراکز، زندانیان را با کمترین امکانات به حال خود رها کرده اند. در این وضعیت بسیاری از زندانیان و خانواده های آنها نگران فرزندان، پدران و مادران خود در زندان ها هستند. فشارهای بین المللی برای آزادی زندانیان بصورت موقت به دولت حسن روحانی رو به گسترش است. ارائه آمار کلی آزادی ده ها هزار نفری زندانیان نشانه این است که حکومت در وضعیت شیوع کرونا مجبور است به ارگان های بین المللی و خانواده های زندانیان پاسخگو باشد. نظر به وضع موجود لازم است از طرق مناسب مانند جمع آوری طومار، نوشتن نامه به ارگان های بین المللی مانند کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل، به دبیرکل سازمان ملل و به پارلمان اروپا جهت فشار به دولت ایران برای آزادی زندانیان سیاسی و مدنی و توجه به بهداشت و درمان آنها، اقدامات موثری را انجام داد.

علاوه بر معضلات بالا در شرایط فاجعه بار کنونی، بسیاری از فعالین سیاسی، مدنی و صنفی دربند با شکنجه، و انواع آزار و اذیت ها و محرومیت از درمان در زندان ها مواجه هستند. و ارگان های امنیتی و قضایی به همراه مسئولین زندان ها و زندانبانان لحظه ای از آوردن فشار و آزار و اذیت به زندانیان سیاسی دست بر نمی دارند. و از فرستادن زندانیان سیاسی و مدنی به مرخصی اجتناب می کنند و وسایل بهداشتی لازم را در اختیار آنها قرار نمی دهند. مدتی قبل مقامات قضایی ایران اعلام کردند یک "نگرش جامع به همه طیف های زندانیان داشته" و تنها از آزادی زندانیانی جلوگیری کرده اند که آزادی آن ها امنیت اجتماعی، اقتصادی، روانی و ... شهروندان را به مخاطره می انداخته است. یا غلامحسین اسماعیلی، سخنگوی قوه قضائیه، روز ۲۹ فروردین ماه، با حضور در یک برنامه تلویزیونی، با اشاره به اینکه برخی از زندانیان از عهده تأمین وثیقه برای اعزام به مرخصی بر نیامده اند گفت: "ما حاضر بودیم به آنها مرخصی بدهیم ولی خودشان نتوانستند تأمین مناسب بسپارند؛ چون زندانی را که بلاقید آزاد نمی کنیم. زندانی باید برای اینکه به زندان باز گردد وثیقه بگذارند".

تاکنون بطور موقت تنها تعداد بسیار اندکی از فعالین سیاسی و مدنی آزاد شده اند و نیز با تمدید مرخصی برخی از آزادشدگان موافقت صورت نگرفته است. و آنها باید مجدداً در شرایط خطرناک کنونی به زندان ها برگردند. در دوره بحرانی کنونی، حکومت حرکت قابل توجهی برای آزادی صدها نفر از زندانیان سیاسی و مدنی که در زندان

ها در شرایط دشوار و غیرانسانی بسر می برند انجام نداده است. طرف یک ماه گذشته تا امروز دهها کارشناس ویژه سازمان ملل در امور حقوق بشر، در بیانیه ای از کارشکنی قوه قضائیه برای اعزام به مرخصی اکثر زندانیان عقیدتی، مدافعان حقوق بشر و زندانیان دو تابعیتی در ایران، ابراز نگرانی کردند و از مقامات قضایی ایران خواستند که این زندانیان را فوراً آزاد کنند. خانواده های زندانیان سیاسی با انتشار دادخواست یا ارسال نامه به مقامات قضایی خواستار آزادی، اعطای مرخصی یا دادن عفو مشروط به زندانیان شده اند.



دولت و قوه قضائیه علناً به مراجعات خانواده های زندانیان سیاسی و نیز تقاضاهای ارگان های بین المللی برای آزادی زندانیان سیاسی و مدنی که در معرض خطر ابتلا به کرونا در زندان ها بسر می برند بی توجهی نشان داده است.

طرف روزهای گذشته تعدادی از فعالین سیاسی، صنفی و مدنی، بازداشت، دستگیر و روانه زندان ها شده اند. از میان بازداشت شدگان ما با سه فعال صنفی و کارگری مانند اسماعیل عبدی دبیرکل کانون صنفی معلمان تهران در حالیکه دوشنبه همین هفته بدنال صدور بخشنامه مرخصی از سوی قوه قضائیه، برای تمدید مرخصی خود به دادیاری زندان اوین مراجعه کرده بود، بازداشت شد. یا خانم ناهید فتحعلیان معلم بازنشسته، فعال مدنی و صنفی معلمان در تهران توسط نیروهای لباس شخصی دستگیر و به محل نامعلومی انتقال یافته است و از محل بازداشت او اطلاعی وجود ندارد. یا امیر چمنی دانشجوی و فعال کارگری در تبریز مدتی قبل پس از احضار به پلیس فتا، بازداشت و پس از انتقال به دادستانی و تفهیم اتهام، زندانی می شود. اما در ادامه مامورین سازمان اطلاعات سپاه، در اقدامی نادر، شبانه امیر چمنی را از زندان تبریز تحویل می گیرند و به بازداشتگاه اطلاعات سپاه منتقل می کنند. و از او اطلاعات دقیقی وجود ندارد. یا ناهید خداجو فعال کارگری، طی احضاریه ای از دادگاه اجرای احکام اوین، برای تحمل شش سال حبس فرا خوانده شد. یا کیوان صمیمی بهبهانی، روزنامه نگار و سردبیر مجله ایران فردا، و از بازداشت شدگان تجمع روز جهانی کارگر سال گذشته، روز دوشنبه ۱ اردیبهشت ماه ۱۳۹۹، در کانال تلگرامی خود اعلام کرد: در یک حکم غیابی به پنج سال زندان محکوم شد.

وضعیت بازداشتی ها، دستگیری های خودسرانه لباس شخصی ها، محکومیت زندان، عدم اعزام به مرخصی زندانیان سیاسی و فراخواندن فعالین مدنی و سیاسی برای گذراندن دوران محکومیت شان روزبروز افزایش می یابد. همه این موارد نشانگر روشی نخ نما شده است که هدفش در وضعیت شیوع کرونا مجازات بیشتر زندانیان از طریق نگه داشتن آنها در وضعیت خطرناک و غیربهداشتی زندان ها می باشد. چنین رفتار جنایتکارانه ای را می بایست محکوم کرد.

تشکل های کارگری، احزاب و سازمان های سیاسی، جامعه مدنی، فعالان سیاسی و نهادهای حقوق بشری، تداوم فشارها به زندانیان را می بایست قاطعانه محکوم کنند و نباید لحظه ای در دفاع از آزادی و حقوق زندانیان سیاسی، مدنی و صنفی درنگ کنند!

کارگران، معلمان، فعالین مدنی و دانشجویی زندانی را آزاد کنید!

یک روز از هفت روز کارگر چگونه گذشت صادق کار



در بسیاری از کشورها اول ماه مه به عنوان روز جهانی کارگر به رسمیت شناخته شده است و تعطیل عمومی است. در این روز اتحادیه‌ها و احزاب کارگری با برپایی تظاهرات و تجمعاتی در خیابان‌ها و میادین شهرها مطالبات اساسی‌شان را مطرح می‌کنند و در پایان روز نیز برنامه‌های ویژه فرهنگی و جشن و سرور برپا می‌کنند و در کنار هم خوش می‌گذرانند. بقول معروف روز کارگر برای آنها هم رزم است و هم بزم. گاهی هم در بعضی شهرها که اوضاع احوال خیلی روبراه نیست ممکن است بزمی درکار نباشد و همه روز به رمز بگذرد!

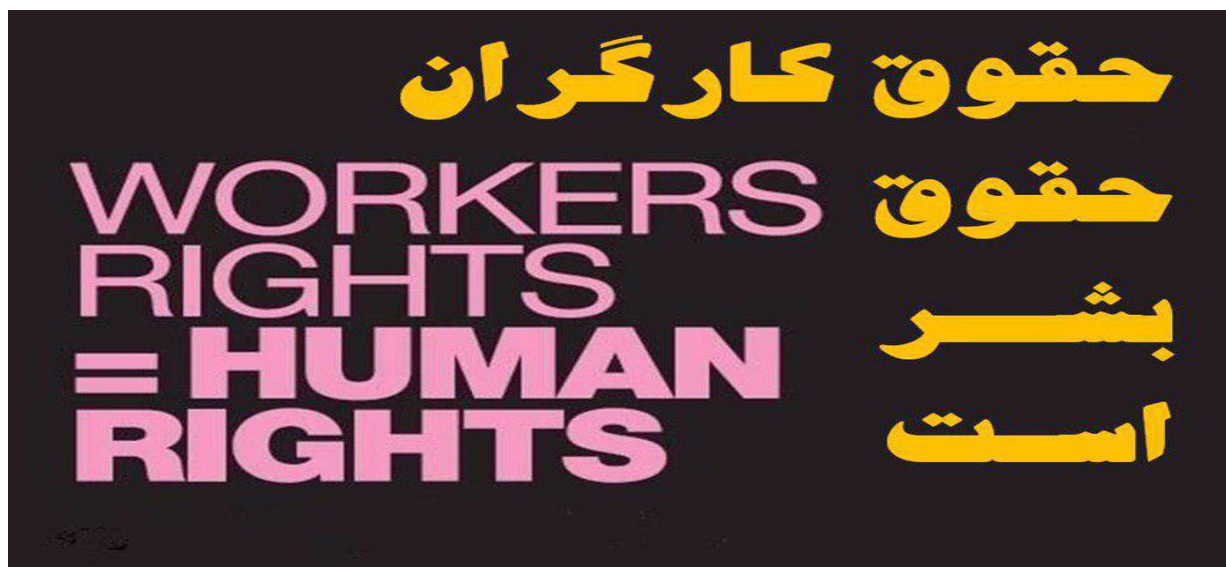
شعارها و مطالبات هم در همه جا و در هر سال متفاوت است. بعنوان مثال در خیلی از کشورها که حقوق سندیکایی به رسمیت شناخته شده و احزاب و رسانه‌ها کم و بیش فعالیت‌شان آزاد است، مطالبات بیشتر حول سیاست‌های روز و مورد مناقشه میان اتحادیه‌های کارگری و دولت‌هاست. برای مثال، یکی از مطالبات مهم و عام مورد مناقشه در سال‌های اخیر در کشورهای غربی افزایش سن بازنشستگی بوده است. خواسته‌های سیاسی هم در مراسم‌های روز کارگر مطرح می‌شوند. برای مثال مخالفت با خصوصی‌سازی موسسات دولتی، یا تعدیل برخی از قوانین کار. از آنجا که تظاهرات‌های روز جهانی سال‌هاست که مختص به کارگران نموده و بصورت رنگین‌کمانی متشکل از همه نیروهای دمکراتیک که هر یک به نوعی با سرمایه‌داری و سیاست‌های سرمایه‌دارانه زاویه پیدا کرده‌اند درآمده مطالبات روز کارگر نیز متنوع‌تر شده‌اند. تقریباً در تظاهرات‌های روز کارگر در اکثر کشورهای توسعه‌یافته، از گروه‌های چپ رادیکال گرفته تا گروه‌های طرفدار محیط‌زیست، و از مخالفان جهانی‌سازی تا طرفداران صلح و فمینیست‌ها حضور پیدا می‌کنند. شباهت‌ها میان مطالبات کارگران در این کشورها زیادند. تعدادی از مطالبات کارگران در ایران نیز کم و بیش مشابه‌اند، درست همان‌گونه که اشتراکات بین سرمایه‌داران این کشورها نیز با سرمایه‌داران ایرانی به همین گونه است. اما تفاوت‌های اساسی نیز بین مطالبات آنها با ما وجود دارد. بطور نمونه بیش از صد سال است که یکی از مطالبات عمده کارگران در ایران قانونی شدن فعالیت سندیکاها و احزاب چپ و دگر اندیش بوده و هنوز هم چنین است. آنها این دوران را پشت سر نهاده‌اند حق تشکل ده‌ها سال است که دیگر مسئله‌شان نیست! فکر می‌کنم بسیاری از کارفرمایان این کشورها از این جهت که اتحادیه‌های کارگری از حق فعالیت محروم‌اند، بایستی حسودی‌شان بشود، اما برعکس آنها، اتحادیه‌های کارگری این کشورها مطمئناً از اینکه برادران و خواهران کارگیشان در ایران از حق تشکل با زور محروم هستند ناراحت و عصبانی هستند. اگر این طور نبود در طول ده‌ها سال نسبت به سرکوب سازمان‌های کارگری توسط حکومت به اعتراض بر نمی‌خواستند و به همبستگی در عمل معنا نمی‌دادند. در ایران سازمان‌های کارگری بیش از صد سال است که همواره تحت سرکوب دو رژیم دیکتاتوری قرار داشته‌اند. اگر آنها توانسته‌اند قوانین کار را به حکومت‌ها تحمیل کنند، روز کارگر را گاهی زیر رگبار گلوله و باتوم و چماق برگزار کنند، به واسطه وجود خلاء قدرت هنگام دست به دست شدن حکومت‌ها بوده است.

بعد از انقلاب، بجای یک روز کارگر بر خلاف دیگر کشورها مرحمت فرموده و هفت روز را به کارگر داده‌اند و اسم‌اش را هم گذاشته‌اند: "هفته کارگر"! امروز یکی از آن هفت روزی است که برای تجلیل از کارگران اعطا فرموده‌اند. ببینید آن "نمایندگان" که قرار بود حق و حقوق کارگران را برایشان بگیرند، چگونه سر قبر امام رفته‌اند تا با وی در حرم طلایی‌اش عهد و پیمان ببندند که به او، ولایت فقیه و نظامی که از خود به ارث نهاد تا دمار از روزگار کارگر در آورد، پایبند هستند و حاضرند برایش جان فشانی کنند.

علی‌خدایی یکی از این به اصطلاح نمایندگان کارگران در شورای عالی کار در مراسم بیعت با خمینی افزایش دستمزد را به دیوان عدالت اداری حواله کرده تا بلکه گریبانش را کارگران خشمگین رها کنند. خبرگزاری (ایلنا) به نقل از خدایی نوشت: "به گزارش خبرنگار ایلنا، علی‌خدایی (عضو کارگری شورای عالی کار) در مراسم تجدید میثاق با آرمان‌های امام راحل (ره) که هم زمان از صفحه اینستاگرام خانه کارگر به صورت مستقیم پخش شد، اظهار داشت: "جامعه کارگری در تمامی عرصه‌های انقلاب در کنار نظام جمهوری اسلامی حضور پررنگ داشته و حامی نظام بوده است". و حسن صادقی معاون دبیرکل خانه کارگر گفت: "هیچ نظامی به جز ولایت فقیه نمی‌تواند اهداف کارگران را محقق کند... صادقی گفت: ما پایبند به اصول انقلاب و اهداف جامعه کارگری هستیم و این را قاطع اعلام می‌کنیم. دستاوردهای انقلاب و تعهد به نظام و انقلاب را باید مدنظر قرار داد چراکه تنها در سایه نظام است که می‌توانیم اهداف کارگری را محقق کنیم".

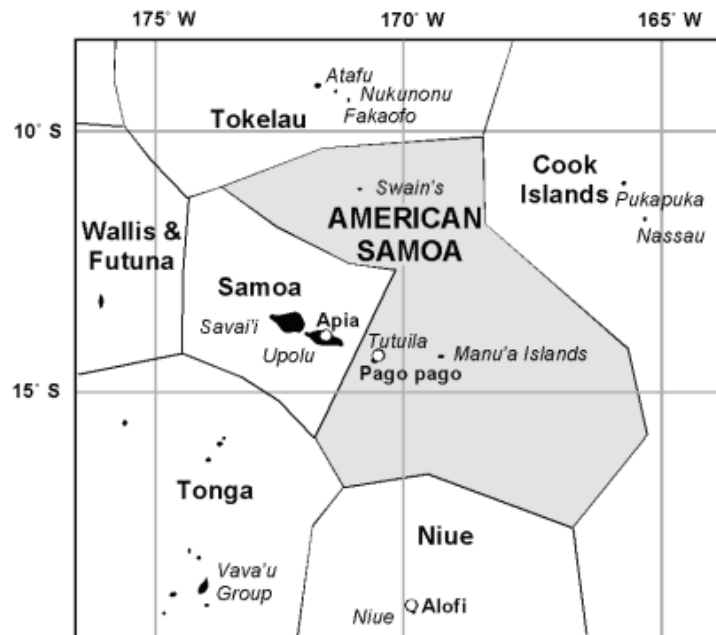
از طلا گشتن پشیمان گشته‌ایم

مرحمت فرموده ما را مس کنید!



دولت موظف است هزینه‌ی زندگی بیکار شدگان بر اثر کرونا را تامین کند!

حداقل بازده - دستمزد حداقلی استعماری در صنایع شیلات ساموا
بخشی از کتاب "تعادل جزرومد - صنایع دریایی در اقیانوس آرام، ساموای آمریکا"
جوآن پوبلت - دانشگاه هاوایی زمستان 2020



پیش درآمد

تا سال ۲۰۰۹ کمپانی های استارکیست و مرغ دریایی (Chicken of the Sea) صاحب بزرگ ترین کارخانه تولید کنسرو تون در جهان در ساموای آمریکا مستقر بودند. محصولات شان که در بزرگترین فروشگاه های مواد غذایی و سوپرمارکت ها در جهان به فروش می رسید با مارک "ساخت آمریکا" عرضه می شدند، چون که ساموا منطقه تحت کنترل و تحت سلطه ایالات متحده است و حقوق و قوانین فدرال در آنجا از آن جمله حداقل دستمزد و حداکثر ساعت کار حاکم نیست و مردم ساموا از حقوق برابر با سایر اتباع آمریکا برخوردار نیستند.

این تفاوت ها در استانداردهای شرایط کار به دلیل سلطه استعماری ایالات متحده بر سرزمین و جزایر ساموا اعمال می گردد که شامل تخفیف مالیاتی و تعرفه گمرکی، حمل و نقل و بیمه ارزان تر و دسترسی نزدیک به آب های مناسب ماهی گیری ساموا را از همان اولین کارخانه که در سال ۱۹۵۲ تأسیس شد به بهشت سرمایه گذاران در صنایع آبزیان تبدیل کرده است. شرایط کاری کارگران شیلات در ساموا همیشه از توجه عمومی و از چشمان مصرف کننده ماهی در جهان به دور نگاه داشته شده بود. در بخش های قبلی این کتاب (۱) در باره امور فنی این صنعت توضیح داده شده است و در این بخش تنها به سیاست و اقتصاد این صنعت گسترده جهانی خواهیم پرداخت.

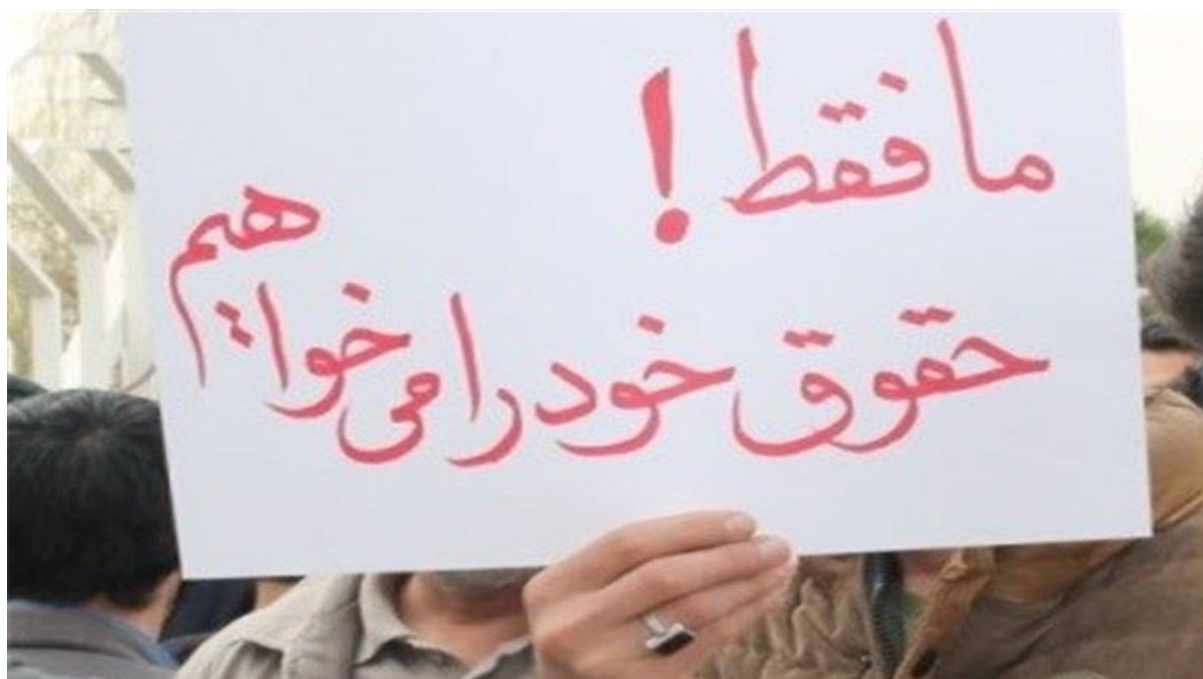
به روایت اندرو اسمیت، نویسنده امور غذایی، اولین کارخانه های تولید کنسرو ماهی در سال ۱۸۱۸ در سواحل شرقی آمریکا به راه افتاد و استفاده از ماهی تون برای اولین بار در ۱۹۰۳ اتفاق افتاد. کنسروهای تون در جنگ جهانی اول به عنوان ارزان ترین ماده غذایی محبوبیت عام یافت و تا شروع جنگ جهانی دوم ایالات متحده بزرگ ترین ناوگان ماهی گیری در جهان را اداره می کرد، به طوری که در سالهای دهه ۱۹۴۰ مردم آمریکا بیش از هر محصول دریایی دیگر ماهی تون مصرف می کردند. ده ها هزار نفر در بخش های مختلف این صنعت از ماهی گیری تا طبخ و کنسروسازی و بسته بندی آن کار می کردند. امروزه نیز آمریکا ۲۹% کل مصرف ماهی تون در جهان را در اختیار دارد. ۸۵% این مواد تولید غرب اقیانوس آرام و منطقه سامواست. در قرن بیست و یک مالکیت تمام این صنایع در دست ملل غیرامریکایی است و دلیل عمده آن دستمزد بسیار کمی است که کارگران از ماهی گیری تا تولید و بسته بندی دریافت می کنند.

در سال ۲۰۰۷ در یک بسیج برای اجرای حداقل دستمزد کارگران در سراسر آمریکا کنگره قانونی را تصویب کرد که به موجب آن هر ساله ۵۰ سنت به حقوق کارگران در ساموا افزوده می شود تا وقتی که حداقل دستمزد کار در ساموا با بقیه آمریکا (دستمزد حداقل فدرال (۲)) برابر شود. در نتیجه دستمزد کارگران شیلات در ساموا از \$ ۳,۲۵ به \$ ۲,۷۵ افزایش یافت. در آن زمان حداقل دستمزد فدرال در آمریکا \$ ۵,۸۵ بود. در سال ۲۰۰۹ و بعد از انتخاب اوباما حداقل دستمزد فدرال به \$ ۷,۲۵ افزایش یافت و در آن سطح تا کنون ثابت مانده است.

پس از سه بار افزایش پنجاه سنتی حداقل دستمزدها در \$ ۴,۷۵ بود که کمپانی مرغ دریایی تصمیم گرفت تأسیسات تولید محصولات دریایی خود در ساموا را در سال ۲۰۰۹ تعطیل کند و کمپانی استارکیست نیز ۸۰۰ نفر از کارگران خود را کاهش داد. اشتغال در ساموا در نتیجه ۱۹% کاهش یافت و تولید و صدور کنسرو تا ۵۵% کاهش یافت. در این فصل به موضوع حداقل دستمزد در منطقه ساموا تحت سلطه استعماری ایالات متحده

خواهیم پرداخت. علاوه بر این به مسائل مربوط به متغیرهای معاصر استاندارد صنعتی برای صنایع خصوصی منفعت محور ماهی گیری و تولیدات دریایی و تأثیرات سیاسی آن در جزایر پاسیفیک غربی و تاجران و سرمایه گذاران آمریکایی خواهیم پرداخت.

- (۱)- تعادل جزرومد - صنایع دریایی در اقیانوس آرام، ساموای آمریکا- جوانپولت-دانشگاه هاوایی زمستان 2020
(۲)- حداقل دستمزد در بیشتر ایالات از نرخ کف دستمزد فدرال بیشتر است.



بیکاران صدقه نمی خواهند، کار، یا حقوق بیکاری می خواهند!

طرح کلی تاریخ کار - بخش دهم یان لوکاسن، انستیتو بین المللی تاریخ اجتماعی



چرا مناسبات کار تغییر می کنند؟

سواک تأثیرات متقابل مکانیسم های گفته شده عمودی و افقی بر هم، باید این امکان را نیز در نظر داشته باشیم که عامل سومی در کار است که بر دست به دست آن دو عمل می کند. آیا یک نیروی پیش برنده همیشه در پشت تحول تاریخی مناسبات کار قرار دارد؟

این سؤال توسط تئوری پردازان اجتماعی بزرگی که الهام بخش حرفه ما بوده اند پاسخ مثبت گرفته است. پاسخ های مشهور آدام اسمیت (۱۷۹۰ - ۱۷۲۳)، کارل مارکس (۱۸۸۳ - ۱۸۱۸) و ماکس وبر (۱۹۲۰ - ۱۸۶۴) به این سؤال در واقع یک نوع "موتور" را تداعی می کنند که تحولات اجتماعی و اقتصادی را به پیش می راند. البته آنها در مورد سوخت این موتور، حجم سیلندر و خاصه کارایی سوخت آن توافق نظری ندارند. اشتراک نظر آنان در قدرت تعیین کننده ای است که برای بازار - از همان لحظه در دوران مدرن که آزادانه در اروپای غربی و خاصه در جمهوری هلند (۱) آغاز به شکل گیری کرد - قائل اند؛ الا این که آدام اسمیت به اثرات نهایتاً سازنده بازار باور دارد و مارکس به اثرات نهایتاً ویرانگر آن. ماکس وبر از "روح سرمایه داری"، از وضع یا حالتی ذهنی با سمیت گیری برای کسب سود، سخن می گوید و آن را پیش شرط لازم برای موفقیت اقتصاد بازار می داند. ظاهراً زمین داران فاقد این روح بوده اند. به این دلیل وبر، و موسی فینلی از پیروان او، جامعه کهن را اساساً و در ذات آن متفاوت با جامعه سرمایه داری، در ابتدای قرن ۱۶ و پس از آن در اروپا شکل گرفت، می دانستند.

برای متفکران پیش گفته و پیروان آنان، پیدایش بازاری برای مبادله کالا، سرمایه و کار در جوامع ابتدائی تر، یعنی فنودالیسم، برده داری و استبداد آسیائی - چنان که کارل ویتفولگ مارکسیست متأثر از وبر آن را نامیده است - نیز سابقه داشت. آنها در باره استبداد آسیائی پیش داوری مشترکی داشتند، که از متفکران کلاسیک باستان ناشی می شد. بنا به نظر متفکران کلاسیکی چون هرودوت، یونانی ها از یک "کشش خدادادی" برای آزادی برخوردار بودند، در حالی که دشمن ایرانی آنان محکوم به جامعه هیرارشیک بودند که مشخصه آن کار ناآزاد بود. این روایت اثری شگرف داشت و با کشف مجدد متفکران کلاسیک در دوران رنسانس، در اولین متفکران اجتماعی و اقتصادی اواخر قرن ۱۸ و اوائل قرن ۱۹ عمیقاً نفوذ کرده بود. پیشتازان بزرگ سفر به اقیانوس آرام، خاصه هلندی ها، فرانسویان و انگلیسی ها، مفهوم "وحشی اصیل" را به این پیشداری افزودند. ما می توانیم این دست الگوهای تعبیر وضع را - که تأثیرات شان تا امروز نیز باقی اند - به عنوان نظام هائی از مناسبات کار محصور در زمان و مکان تلقی کنیم، که یا تقریباً تغییرناپذیر بودند، یا دست کم در مورد اروپا، در اثر یک دینامیسم درونی ظاهراً خودبخودی، از جامعه اولیه به برده داری، فنودالیسم، سرمایه داری گذر کرده و سرانجام با سوسیالیسم نیل خواهند کرد. باور وسیعی هم وجود داشت که باقی دنیا نیز همان مسیر تمدنی را با سرعتی بیشتر از اروپا طی خواهد کرد.

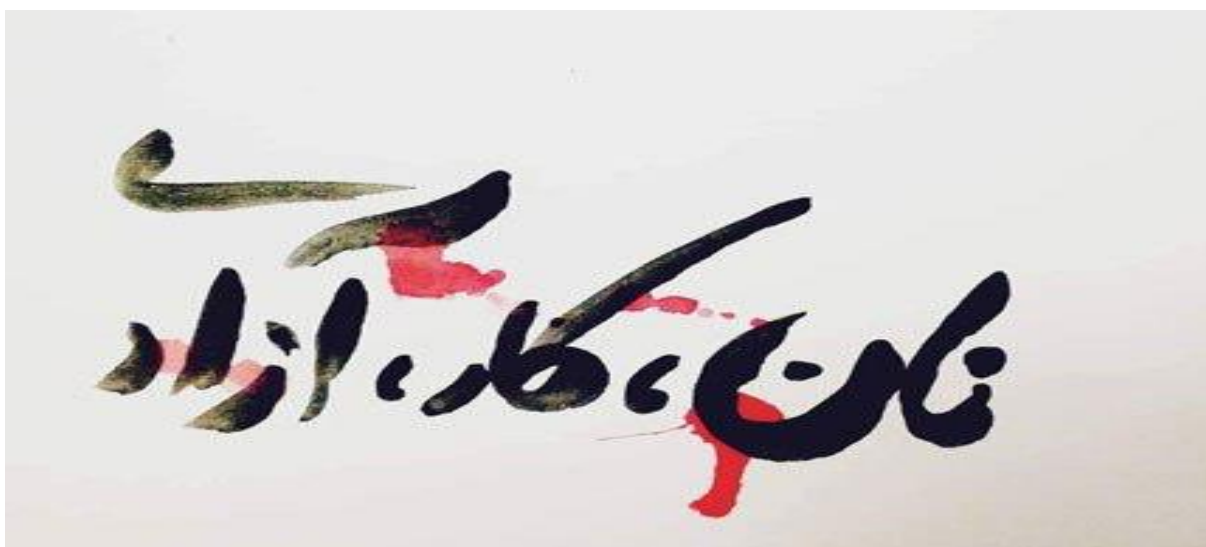
این مفهوم از دینامیسم تاریخ جهانی مدت های مدیدی مفهوم مسلط در مطالعه در این باره بود. به اعتباری دوام این مفهوم از آن رو بود که هر دو گروه متفکران لیبرال و مارکسیست به آن باور داشتند. الکساندر چایانف (۱۹۳۷ - ۱۸۸۸) و کارل پولانی (۱۹۶۴ - ۱۸۸۶) در نیمه اول قرن بیستم کوشش تئوریک جالبی را برای ایجاد یک الگوی بدیل به خرج دادند.

چایانف با مطالعه آمارهای جامع در باره خرده مالکان روسی در فاصله سال های ۱۸۸۰ تا ۱۹۲۰ دست به این کار زد. پولانی و مکتب او، به روشی به مراتب کمتر سخت گیرانه نسبت به چایانف، نمونه های بسیار بیشتری را - از مزوپوتامی تا داهومی - از مناسباتی متفاوت با الگوی پیش گفته عرضه کردند.

با این حال مبتنی بر تجربه واقعی می توان گفت که کوشش های این محققان در نهایت چندان قانع کننده نبود. مقدم بر همه، این کوشش ها ناموفق بودند، زیرا در اهمیت کار برای معاش و رفتار ضدبازاری اهالی دنیا پس از انقلاب نوسنگی به شدت اغراق می کردند. کارل پولانی خود نظرش را چنین خلاصه کرده است:

"اجازه دهید نظرم را روشن کنم. هیچ جامعه ای نمی تواند به طور طبیعی برای مدتی طولانی دوام آورد، بدون آن که از نوعی از اقتصاد برخوردار باشد. اما پیشتر از این (یعنی قبل از قرن نوزدهم) هرگز هیچ اقتصادی وجود نداشت، که ولو در اساس تحت کنترل بازار باشد... اگرچه نهاد بازار از اواخر عصر حجر کمابیش مرسوم بود، اما نقش آن در حیات اقتصادی همواره فرعی بود... تقسیم کار، که پدیده ای به قدمت جامعه است، ناشی از تفاوت های طبیعی در جنسیت، جغرافیا و موهبت های فردی است و ادعا دایر بر میل باطنی انسان به معامله و مبادله تقریباً بالتمامه جعل است".

(۱) - جمهوری سرزمینهای ندرلند بین ۱۵۸۸ تا ۱۷۹۵ کنفدرالی مشابه یک پیمان دفاعی و وحدت کمرگی بود. بخش اعظم این جمهوری کشور امروزی هلند (ندرلند) را شامل می شد. این جمهوری در قرن ۱۷ از قدرت سیاسی و اقتصادی بزرگی برخوردار بود و مدتی طولانی نقش اصلی را در صحنه جهانی ایفا می کرد.



I SNA

I SNA/PHOTO:ALIREZA SOTAKBAR

**مبارزه برای تشکیل سندیکاهای مستقل کارگری را
تشدید کنیم!**

گذر و نظری بر رویدادهای کارگری هفته جنگ کارگری



اعتصاب ۳ هزار کارگران معدن زغالسنگ کرمان، مبتلا شدن عده دیگری از کارگران به کرونا در هنگام کار، اعتراض تجمع اعتراضی کارگران فاز ۲ پالایشگاه آبادان بدنبال اخراج از کار، تجمع مربیان مهدکودک و پیش دبستانی به دلیل نگرفتن حقوق بیکاری، اعتراض کارگران پتروشیمی حکمتانه به تعویق در پرداخت دستمزد، اعتراض کارگران و کارکنان شماری از موسسات دولتی و خصوصی در خوزستان، مهمترین رویدادهای کارگری هفته بودند.

اعتصاب ۳ هزار کارگر معدن ذغال سنگ کرمان

در اول فروردین ۳ هزار کارگر معدن ذغال سنگ کرمان در سه شهرستان "راور، کوهینان و زرنند" در اعتراض به فروش سهام معدن و واگذاری به شرکت های پیمانکار و یک رشته خواسته های صنفی اعتصاب و در مقابل دفاتر امامان جمعه و فرماندار تجمع نمودند. به گزارش "رادیو زمانه" کارگران در نامه ای خطاب به امام جمعه شهرستان راور خواستار:

- تبدیل وضعیت قرارداد کارگران از انجام کار معین به قرارداد دائم؛
- پرداخت حق بیمه و تامین حقوق فروردین ۱۳۹۹ کارگران به علت بیماری کرونا؛
- اجرای صحیح، کامل و بدون نقص طرح طبقه بندی مشاغل؛
- ضریب شغلی بازنشستگی در مشاغل سخت و زیان آور بر اساس قانون استخدامی فولاد در سال های دهه ۶۰ و ۷۰ با اجرای سابقه ۱۵ سال کار در معدن زغالسنگ،
- اجرای مفاد قانون کار مخصوصاً اضافه کار، اجرای ماده ۹۲ و امنیت شغلی ماده ۷ قانون و مقررات کار جمهوری اسلامی ایران؛
- افزایش دستمزد ثابت اداره کار نسبت به سایر مشاغل و افزایش های سالیانه برای کارگران معادن زغالسنگ کل استان.

کارگران با وجود همه گیری کرونا در ایران در بسیاری از معادن ایران از جمله در زغالسنگ کرمان به کار گمارده شده بودند. از تعداد کارگرانی که به بیماری کووید ۱۹ مبتلا شدند اطلاعی در دست نیست. با آمدن کرونا بر تعداد کارگرانی که دستمزد نگرفته اند به شدت افزوده شده، اخبار و گزارشات کارگری در هفته اول اردیبهشت نشان می دهند که بیکاری، دستمزد، بیمه بیکاری و غیر امن بودن محل های کار موضوعات عمده و دغدغه های کارگران و همه گروه های مزدبگیر در مقطع کنونی هستند. به نظر می رسد نان و معیشت و چگونگی تامین آن می رود تا به یک چالش بزرگ هم برای حکومت و هم نیروی کار و زحمت زودتر از آنچه پیشبینی می شد درآید. گلوله برف از فراز قله فلاکت تحمیل شده به زحمتکشان و بی چیزان به راه افتاده است و دور نیست که تبدیل به بهمنی شود که هیچ چیز جلودارش نباشد!

ابتلا شمار دیگری از کارگران به کرونا هنگام کار

متأسفانه خبرهای منتشر شده حاکی از مبتلا شدن عده دیگری به کرونا در هنگام کار در این هفته است. البته شمار کارگران و کارمندانی که هنگام کار بیمار شده‌اند، بایستی خیلی بیشتر از آنهایی باشد که اخبار بیماری شان گه گاهی در رسانه‌ها منتشر می‌شود. اما همین مقدار هم که رسانه‌ای می‌شوند به قدر کافی هولناک و نگران کننده است. خبر اول مربوط به بیمار شدن ۶ کارگر در "ابنیه فنی و راه آهن شاهرود است" که به دلیل ندادن وسایل حفاظتی پیشگیرانه مناسب به کارگران اتفاق افتاده، و دیگری مربوط به مبتلا شدن ۳۸ کارگر در پتروشیمی ارومیه است که یک روز قبل ابتدا توسط مدیرعامل این شرکت تکذیب و بعد توسط اداره کار ارومیه تأیید شد.

نادر قاضی‌پور نماینده ارومیه که یک روز قبل این خبر را داده بود در مورد علت بیمار شدن کارگران گفت: "متأسفانه پتروشیمی ارومیه بدون رعایت اصول بهداشتی، کارگران را در ایام تعطیلی واحدها، دعوت به کار کرد و نتیجه این شد که ۳۷ نفر از کارگران مجتمع پتروشیمی ارومیه به کرونا مبتلا شدند".

تجمع اعتراضی کارگران فاز ۲ پالایشگاه آبادان

کارگران فاز ۲ پالایشگاه آبادان که در استخدام یک شرکت پیمانکار بودند پس از آنکه هنگام بازگشت به محل کارشان با درهای بسته روبرو شدند بعنوان اعتراض اقدام به تجمع در مقابل ساختمان محل کارشان نمودند. کارفرما دلیل اخراج کارگران را تعدیل نیروی مازاد اعلام نموده. سرپرست شرکت گفته است مقدار باقی مانده از دستمزد بهمین و اسفند کارگران را بعداً می‌دهند. یعنی اینکه حتی وقتی کارگر را از کار اخراج می‌کنند نیز حاضر به پرداخت دستمزد کارگر قبل از اخراج هم نیستند. این گونه رفتارها البته پدیده نادری نیست و شکایت کارگران به ادارات کار برای گرفتن دستمزدهای معوقه شان بندرت ممکن است پیگیری شود. کارفرماها نیز که این را می‌دانند و خیالشان از بابت ادارات کار راحت است، کارگران را دست بسر می‌کنند!

تجمع مربیان مهد کودک و پیش دبستانی در اعتراض به نگرش حقوق بیکاری

عده‌ای از مربیان مهدکودک و پیش دبستانی که در اثر کرونا بیکار شده‌اند در این هفته نسبت به پرداخت نشدن حقوق بیکاری به آنها اعتراض نمودند. دستمزد این گروه شغلی بزرگ همان حداقل دستمزد مصوب شورای عالی کار است با این تفاوت که به خاطر نوع قراردادهای کاری شان مانند عده زیادی از کارگران حق سنوات و برخی مزایای جنبی مزدی دیگر به آنان تعلق نمی‌گیرد. عده زیادی از آنها سرپرست و نان آور خانه هستند که به لحاظ قانونی بیمه بیکاری شامل حالشان می‌شود، اما با وجود درماندگی مالی با اینکه بقول مسئولین دولتی در دسته محرومترین اقشار آسیب پذیر هستند بایستی مطابق وعده‌های دولتمردان زودتر به وضع شان رسیدگی شود هنوز نه حقوق بیکاری اسفند و فروردین شان را گرفته‌اند و نه تکلیف حقوق بیکاری شان معلوم شده است. نگرانی دیگر آنها بیکاری و رها شدن به حال خود بعد از بیکاری است.

"یک مربی پیش دبستانی که ۹ سال تمام در یک موسسه خصوصی کار کرده، می‌گوید: به ما فقط پایه حقوق وزارت کار را می‌دادند؛ علیرغم اینکه دو فرزند دارم و خودم سرپرست خانوار هستم، هرگز پایه سنوات یا بن خواربار نگرفته‌ام؛ قبل از تعطیلی در اسفند، حقوق من یک میلیون و ۸۰۰ هزار تومان بود که ۱۳۲ هزار تومان بابت بیمه کسر می‌کردند و یک میلیون و ۶۶۸ هزار تومان به حسابم واریز می‌کردند".

اعتراض کارگران پتروشیمی هگمتانه به تعویق در پرداخت دستمزد

با آمدن کرونا بر تعداد کارگرانی که دستمزد نگرفته‌اند به شدت افزوده شده، اخبار و گزارشات کارگری در هفته اول اردیبهشت نشان می‌دهند که بیکاری، دستمزد، بیمه بیکاری و غیر امن بودن محل های کار موضوعات عمده و دغدغه های کارگران و همه گروه های مزدبگیر در مقطع کنونی هستند. به نظر می‌رسد نان و معیشت و چگونگی تامین آن می‌رود تا به یک چالش بزرگ هم برای حکومت و هم نیروی کار و زحمت زودتر از آنچه پیشبینی می‌شد در آید. گلوله برف از فراز قله فلاکت تحمیل شده به زحمتکشان و بی چیزان به راه افتاده است و دور نیست که تبدیل به بهمنی شود که هیچ چیز جلودارش نباشد!

اعتراض کارگران پروژه پتروشیمی هگمتانه همدان به تعویق دو ماهه دستمزد

کارگران پروژه پتروشیمی هگمتانه همدان در دوم اردیبهشت با نوشتن نامه سرگشاده خطاب به مسولین و نمایندگان نسبت به پرداخت نشدن دستمزد دو ماه گذشته شان اعتراض و خواهان پرداخت آن شدند. در بخشی از نامه، کارگران نوشتند: "در این دوران سخت کرونا که همه از کار بیکار شده ایم و در منزل به سر می‌بریم، آن از تعیین حقوق برای کارگران، که فقط کارفرما را در نظر گرفتن و کمک های دولت هم که فقط نصیب ما کارگران نشده، لاقط حقوق عقب افتاده خودمان را بگویید پرداخت کنند".

اعتراض کارگران و کارکنان موسسات دولتی و خصوصی در خوزستان

کارگران و کارکنان شاغل در "شرکت آب و فاضلاب اهواز"، "قطار شهری اهواز"، "کارکنان اداره برق بهبهان" در روزهای اخیر چند جداگانه اعتراضی برگزار کردند. علت اکثر این اعتراضات نگرش دستمزد در دو ماه گذشته، پرداخت نشدن حق بیمه توسط پیمانکار و بی توجهی مسئولین نهادهای دولتی به شکایات کارگران بوده‌اند. یکی از پیمانکاران در پاسخ به اعتراض کارگران آب و فاضلاب اهواز گفت: "مطالبات سال گذشته مربوط به

پیمانکار قبلی بوده و مقرر بود تا شرکت آب و فاضلاب آن را به حساب ما واریز کند تا به کارگران پرداخت گردد". در واقع کارگران این شرکت حالت توپ فوتبالی را پیدا کرده‌اند، که بین شرکت های پیمانکار، اسبق و تازه رسیده و اداره آب و فاضل پاس کاری می شوند. علت بی توجهی مسئولین اداره فاضلاب چه می تواند باشد به غیر از اینکه دست های شان با صاحبان شرکت های پیمانکار در یک کاسه است؟

***برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:
sabosob@gmail.com**

***"جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران (فداییان خلق) را می توانید در آدرس زیر ببینید:**

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>



بیکاران صدقه نمی خواهند، کار، یا حقوق بیکاری می خواهند!

